

رمزهای موفقیت از نگاه امام علی علیه السلام (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

انسان موجودی کمال جو است که برای رسیدن به این کمال همه امکانات در اختیار او قرار گرفته است. «وسخر لكم ما فى السموات وما فى الارض جميعا منه» (۱)؛ «و آنچه در آسمانها و زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخت» .

بی شک در اختیار گرفتن همه امکانات بدان جهت است که انسان مراتب کمال را بصورت صعودی طی کند و بیش از پیش به موفقیت‌هایی چه در ابعاد مادی و چه معنوی دست یابد. برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر و چشیدن طعم شیرین موفقیت، شرایط و عواملی لازم است تا در سایه بکار بستن آنها، بهتر بتوان به آن اهداف دست یافت. در این نوشتار از عواملی سخن می گوئیم که از منظر امام علی علیه السلام ما را در رسیدن به موفقیت کمک می کند.

۱. توفیق الهی

هر انسانی در انجام کارها، نیازمند عنایت و توفیق از جانب خداوند عالمیان است و تا لطف الهی شامل حال او نشود، موفق به انجام کارها نخواهد شد و هر کوششی بدون توفیق الهی صورت گیرد، سودی نخواهد داشت. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «لا ینفع اجتهاد بغير توفیق» (۲) کوششی که با توفیق همراه نباشد سودی ندارد» .

از سوی دیگر هر کسی برای رسیدن به هدف و آرزوی خود نیازمند راهنماست، تا در

طول مسیر او را همراهی کند. توفیق الهی بهترین راهبری است که انسان را به سوی خوبیها و کارهای خدا پسندانه رهبری می کند. به فرمایش حضرت علی علیه السلام: «لا قائد خیر من التوفیق» (۳) راهنمایی بهتر از توفیق وجود ندارد» .

سفرای الهی نیز خود را بی نیاز از توفیق الهی نمی دانستند و در همه حال از خدای منان خواهان آن بودند. قرآن کریم از قول حضرت شعیب علیه السلام می فرماید: «وما توفیقی الا بالله» (۴) ; «توفیق من جز به خدا نیست.» امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در پاسخ به نامه ای به معاویه فرمودند: «وما توفیقی الا بالله» (۵) ; توفیق من جز به خدا نیست» . البته داشتن توفیق الهی نیازمند تلاش و کوشش است و تا تلاشی صورت نگیرد، خواستن توفیق الهی نه تنها پسندیده نیست، بلکه نوعی خویشتن را به سخره گرفتن است، چنان که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «من سال الله التوفیق ولم یجتهد فقد استهزء بنفسه» (۶) کسی که از خداوند توفیق را مسئلت نماید، ولی کوشش نکند، خود را به تمسخر گرفته است» .

۲. دینداری و تقوی

اطاعت از خداوند و دینداری، اولین پایه رستگاری است. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله همین که برای اولین بار در میان مردم ظاهر شد و بعثت خود را آشکار کرد، فرمود: مردم! بگوئید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید. امیر مؤمنان علیه السلام نیز از خداوند سلامت در دین را طلب می نمود و می فرمود: «نساله المعافاه فی الادیان کما نساله المعافاه فی الابدان» (۷) از او سلامت در دین را خواهانیم آنگونه که تندرستی را از او درخواست داریم» .

دینداری و تقوای الهی از جمله عواملی است که انسان را در رسیدن به آرزوهای دنیوی و اخروی و کسب موفقیتها کمک می کند. علی علیه السلام در این باره می فرماید: «فان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلكة»؛ (۸) همانا ترس از خدا کلید هر در بسته، و ذخیره رستاخیز و عامل آزادگی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است.»

امام علی علیه السلام در جای دیگری درباره نقش تقوی و دینداری در رساندن انسان به اهداف و رفع مشکلات می فرماید:

« فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا وَ اخْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأَمْوَاجُ بَعْدَ تَرَائِكُمِهَا وَ أَسَهَلَتْ لَهُ الصِّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا وَ تَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَ تَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَ وَبَلَتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَهَةُ بَعْدَ إِرْدَائِهَا. (۹)»

پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختیها بعد از نزدیک شدنشان، از او دور گردند، و کارها پس از تلخیها برای او شیرین و امواج مشکلات پس از متراکم شدن بر طرف خواهند شد و مشکلات پس از آنکه او را وامانده کرد آسان می شود و مجد و بزرگی از دست رفته [چون قطرات باران] بر او فرو می بارند، رحمت بازداشته [حق] به او باز می گردد، و نعمتها [ی الهی] پس از فرو نشستن، برای او به جوشش می آیند و برکت تقلیل یافته برای او فزونی گیرد.»

۳. استفاده از فرصتها

برای هر کسی در زندگی فرصتهایی پیش می آید که گاه در اثر جهل و عدم آگاهی، بی

توجه از کنار آن گذر می کند. فرصتها چون ابر بهاری در گذرند (۱۰) و با از دست رفتن جز غصه چیزی بر جای نمی گذارند (۱۱). اگر انسان به موقعیتهای بدست آمده، بیشتر توجه کند و متوجه باشد که برای هر چیزی وقت مشخصی است و سرآمدی معین (۱۲)، از ثانیه ثانیه های این فرصتها، بیشترین و بهترین استفاده را می کند.

استفاده بهینه از فرصتهای بدست آمده و کار امروز را برای فردا نگذاشتن و حساسیت روی ثانیه های عمر داشتن، از جمله عواملی است که موجب موفقیت انسان در تمامی زمینه ها چه در مسائل اجتماعی - سیاسی و چه مسائل معنوی می شود.

حضرت علی علیه السلام درباره این رمز موفقیت چندین نکته را متذکر می شوند.

الف) ضرورت استفاده از فرصتهای نیک

امام علی علیه السلام می فرمایند: «کل معاجل یسال الانظار و کل مؤجل یتعلل بالتسويف؛ (۱۳) آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی می ورزند.» پس آنان که هنوز حسرت فرصتهای از دست رفته را نخورده اند، بهوش باشند و چونان صیادی تیز بین و زبردست، اگر طالب موفقیتند لحظه لحظه فرصتهای بدست آمده را صید کنند.

ب) لزوم عمل در ایام فراغت و سلامت جسم

حضرت فرمودند: «فلیعمل العامل منکم فی ایام مهله قبل ارهاق اجله و فی فراغه قبل اوان شغله و فی متنفسه قبل ان یؤخذ بکظمه؛ (۱۴) هر کس از شما که اهل عمل است باید عمل کند در روزگاری که مهلت دارد پیش از آنکه مرگ فرا رسد و در ایام فراغتش پیش از

آنکه گرفتار شود و در ایام رهایی اش پیش از آنکه گلوگاه او [به وسیله مرگ] گرفته شود» .

ج) سعی در استفاده هر چه بیشتر از فرصتها

در زندگی هر انسانی، فرصتهای اندکی پیش می آید که اگر خوب استفاده شود، یک عمر از آن بهره برداری می شود. پس، از موقعیتهای بدست آمده باید با حداکثر توان بهره جست که غروب طلایی هر روز را فقط یک بار می توان تجربه کرد.

سعیدیا دی رفت، فردا همچنان موجود نیست // در میان این و آن فرصت شمار امروز را
علی علیه السلام در این باره فرمودند: « ... وَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ، عُمْرًا نَاكِسًا، أَوْ مَرَضًا حَابِسًا،
أَوْ مَوْتًا خَالِسًا. بسوی اعمال [نیکو بشتابید پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری
مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد» .

* * *

گوهر وقت بدین تیرگی از دست مده // آخر این در گرانمایه بهایی دارد
صرف باطل نکند عمر گرامی پروین // آنکه چون پیر خرد راهنمایی دارد
فرخ آن شاخک نورسته که در باغ وجود // وقت رستن هوس نشو و نمایی دارد (۱۶)

۴. خویشاوندان

خانواده به عنوان اولین کانونی که شخصیت انسان در آن شکل می گیرد، دارای اهمیتی خاص است. والدین که در تربیت اولاد، هسته مرکزی مجموعه عظیم خویشاوندان را تشکیل می دهند، با الگو دهی مناسب و فراهم کردن فضایی مطلوب در خانواده، نقش بسزایی در شکل گیری و شکوفایی استعدادهای اعضای خانواده ایفا می کنند. مسیر

خوشبختی و یا خدای نکرده عکس آن، در خانواده پی ریزی می شود که البته نقش تک تک اعضاء خانواده قابل توجه است.

حضرت علی علیه السلام خویشاوندان را به بالهایی تشبیه می کند که انسان را در صعود به اهداف عالی کمک می کنند و در صورت نبود یا قطع رابطه با آنان، انسان در رسیدن به آرزوها و اهداف تعیین شده دچار مشکل می شود. آن حضرت می فرماید:

«واکرم عشیرتک فانهم جناحک الذی به تطیر واصلک الذی الیه تصیر ویدک التی بها تصول» (۱۷) خویشاوندانت را گرامی دار، زیرا آنها پر و بال تو می باشند که با آن پرواز می کنی و ریشه تو هستند که به آنها باز می گردی و دست [نیرومند] تو می باشند که با آن حمله می کنی.» .

امام علی علیه السلام درباره نقش اساسی این کانون گرم در رساندن انسان به هر موفقیتی فرمودند:

«ایها الناس انه لا یستغنی الرجل وان کان ذا مال عن عترته ودفاعهم عنه بایدیهم والسنثم وهم اعظم الناس حیطةً من ورائه والمهم لشعته واعطفهم علیه عند نازلة اذا نزلت به» (۱۸) ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، از خویشاوندان خود بی نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب [و ناراحتی] او را می زدایند، و در هنگام مصیبتها، نسبت به او پرعاطفه ترین مردم می باشند.» .

۵. تلاش و کوشش

برای مقابله با مشکلات و پیروزی بر آنها، اراده ای آهنین لازم است تا انسان از نیروهای

نهفته در وجود خود، بیشترین بهره را ببرد. دست روی دست گذاشتن هنر نیست، چرا که مردان بزرگ در سایه سعی و تلاش، قله های پیروزی را فتح می کنند.

سعی و تلاش از جمله عواملی است که انسان را در رسیدن به اهداف و خواسته هایش کمک می کند. امام علی علیه السلام همگان را به تلاش فرا می خوانند و می فرمایند: «فعلیکم بالجد؛ (۱۹) بر شما باد تلاش و کوشش.» چرا که «لا یدرک الحق الا بالجد؛ (۲۰) حق جز با تلاش و کوشش بدست نمی آید» .

حضرت در توصیه های خویش به فرزندان امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «فاسع فی کدحک؛ (۲۱) نهایت کوشش را در زندگی داشته باش.» دلیل این امر این است که عاقبت، هر جوینده ای یابنده است. «من طلب شیئا ناله او بعضه؛ (۲۲) آن کس که در تلاش و طلب چیزی باشد، یا به همه آن و یا لااقل به قسمتی از آن دست خواهد یافت» .

علی علیه السلام گاه جهت به راه انداختن انسانها برای فعالیت و تلاش در زندگی، از تلاش و کوشش موجودات دیگر مثال می زند تا همگان از کار و فعالیت آنها درس تلاش بگیرند و در زندگی خود جدیت داشته باشند. در یکی از خطبه ها، از تلاش و فعالیت مورچه سخن می گوید: «انظروا الی النملة فی صغر جثتها... کیف دبت علی ارضها وصبت علی رزقها تنقل الحبة الی حجرها وتعدھا فی مستقرھا، تجمع فی حرھا لبردها وفی وردها لصدرها؛ (۲۳) به مورچه و کوچکی چته آن بنگرید... که چگونه روی زمین راه می رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند؛ دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد و در جایگاه مخصوص نگه می دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی کند» .

گاه حضرت فرزندش امام مجتبی علیه السلام را به تلاش در جهاد فرا می خواند که

«وجاهد فی الله حق جهاده ولا تاخذك فی الله لومة لائم»؛ (۲۴) در راه خدا تا سرحد توان تلاش کن و هرگز سرزنش سرزنش گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد» .

سیره عملی حضرت امیر علیه السلام چه در کار و فعالیت سیاسی و چه در فعالیت‌های اجتماعی، بر تلاش و کوشش استوار بود. برای هر کسی که ادعای پیروی حضرتش را دارد لازم است به مولایش تاسی کرده، تا آخرین توان تلاش کند تا در سایه این تلاشها از عمر خویش بهترین استفاده را بکند و راه موفقیت را برای خود هموار گرداند. جهد را بسیار کن، عمر اندکی است // کار را نیکو گزین، فرصت یکی است کاردانان چون رفو آموختند // پاره های وقت بر هم دوختند عمر را باید رفو با کار کرد // وقت کم را با هنر، بسیار کرد کار را از وقت، چون کردی جدا // این یکی گردد تباه، آن یک هبا (۲۵)

ادامه دارد....

=====

پی نوشت:

-(۱) جایه/۱۳.

-(۲) غرر الحکم، شماره ۴۰۰۲، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶، چاپ اول.

-(۳) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۹۴، حدیث ۳۴.

-(۴) هود/۸۸.

-(۵) نهج البلاغه، نامه ۲۸.

-(۶) بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶، حدیث ۱۱.

- (۷ نهج البلاغه، خطبه ۹۹.

- (۸ همان، خطبه ۲۳۰.

- (۹ همان، خطبه ۱۹۸.

- (۱۰ الفرصه تمر مر الصحاب فانتهزوا فرص الخير; فرصتها همچون عبور ابرها می گذرد،

بنابراین فرصتهای نیک را غنیمت بشمارید. « (نهج البلاغه، حکمت ۲۱)

- (۱۱ اضاعه الفرصه غصه; از دست دادن فرصت غم انگیز است. « (نهج البلاغه، حکمت

) ۱۱۸

- (۱۲ فان لكل شیء مدة واجلا; هر چیزی وقت مشخصی دارد و سرآمدی معین. « (همان،

خطبه ۱۹۰)

- (۱۳ نهج البلاغه، حکمت ۲۸۵.

- (۱۴ همان، خطبه ۸۶.

- (۱۵ همان، خطبه ۲۳۰.

- (۱۶ پروین اعتصامی.

- (۱۷ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

- (۱۸ همان، خطبه ۲۳.

- (۱۹ همان، خطبه ۲۳۰.

- (۲۰ همان، خطبه ۲۹.

- (۲۱ همان، نامه ۳۱.

- (۲۲ همان، حکمت ۳۸۶.

- (۲۳ همان، خطبه ۱۸۵.

- (۲۴) همان، نامه ۳۱.

- (۲۵) پروین اعتصامی.

منبع: ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ۴۵.

رمزهای موفقیت از نگاه امام علی علیه السلام (۲)

در بخش نخست این مقاله، پنج مورد از رمزهای موفقیت از نگاه امام علی علیه السلام مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه مقاله، شش رمز دیگر از رمزهای موفقیت بیان می شود.

۶. داشتن هدف

داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار است. انسان زمانی امنیت خاطر و آرامش دارد که افق روشنی برای آینده خود ترسیم کند و با انگیزه و رضایت درونی برای رسیدن به آنچه در آن افق مد نظر دارد، تلاش کند. بدترین حالت برای آدمی، زمانی است که احساس سرگردانی کند و بلا تکلیف بماند. هم چنان که همه مخلوقات از بزرگترین آنها گرفته تا کوچکترین موجودات، بر پایه هدفی خلق شده اند، انسان هم - که اعجوبه خلقت است - در این چرخه هستی بدون هدف نیست. به فرمایش امام علی علیه السلام: «فما خلق امرؤ عبثاً؛ (۱) کسی بدون هدف [و بیهوده آفریده نشده است]» .

انسانی که بدون هدف خلق نشده، کارها و اعمالش باید بر پایه هدفی صورت بگیرد. در این عمر کوتاه زندگی، رسیدن به همه اهداف و آرزوها ممکن نیست، بنابراین باید هدفی

را که ارزشمندتر است انتخاب نمود. اگر اهداف متفاوت و متعدد دنبال شود نتیجه ای جز شکست و ناکامی نخواهد داشت: «من او ما الی متفاوت خذلته الحیل; (۲) کسی که به کارهای مختلف پردازد، نقشه ها [و پیش بینیهایش] به جایی نمی رسد.» و اگر بجایی هم رسید مسائل مهمتر را ضایع خواهد کرد، چنان که علی علیه السلام فرمودند: «من اشتغل بغير المهم ضیع الاهم; (۳) کسی که به امور غیر مهم پردازد، مسائل مهم تر را ضایع می سازد» .

کسی که دنبال موفقیت در کارهاست باید در ابتدای امر، هدف خود را مشخص کند و بعد از اینکه مهمترین هدف را شناسایی کرد، با تمام توان جهت رسیدن به آن تلاش نماید، چرا که موفقیت انسان در کارهایی است که فکر و اندیشه را در همان کار بکار می گیرد. امام علی علیه السلام فرمودند: «ان رایك لا یتسع لكل شیء ففرغه للمهم; (۴) فکر تو وسعتی که همه امور را فرا بگیرد ندارد، پس آن را برای امور مهم فارغ بگذار» . البته به این نکته نیز باید توجه کرد که انسان برای رسیدن به هدف مجاز نیست از هر وسیله ای استفاده کند. به دیگر سخن هیچ وقت هدف وسیله را توجیه نمی کند، علی علیه السلام در این زمینه فرمودند: «ما ظفر من ظفر الاثم به والغالب بالشر مغلوب; (۵) کسی که گناه به وسیله او پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با بدی غلبه کند، شکست خورده است» .

۷. داشتن همت

یکی از نیروهای نهفته در وجود انسان، قوه اراده است که اگر به پرورش و تقویت آن پرداخته شود، بسیاری از مشکلات روحی و جسمی را می توان درمان نمود. داشتن اراده

ای قوی و همتی عالی، از نشانه های مؤمن است. علی علیه السلام در بیان صفات مؤمن می فرماید: «بعید همه؛ (۶) همتش بلند است» .

حضرت امیر علیه السلام قدر هر انسانی را به اندازه همتش می داند و می فرماید: «قدر الرجل علی قدر همته؛ (۷) قیمت و ارزش آدمی به قدر همت اوست» .

همت بلند دار که مردان روزگار // از همت بلند به جایی رسیده اند

همت بلند دار که نزد خدا و خلق // باشد به قدر همت تو اعتبار تو (۸)

از نکات قابل توجه در این بحث این است که بلند همتی با تن پروری سازگار نیست.

طالب موفقیت باید خود را از تن پروری بدور کند و با تمام توان خود، به تلاش و کوشش

پردازد. علی علیه السلام می فرماید: «فشدوا عقد المازر واطووا فضول الخواصر ولا تجتمع

عزیمه وولیمه؛ (۹) پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به دست

آوردن ارزشهای والا با خوشگذرانی میسر نیست.» همچنین باید از همراهی با انسانهای

دون همت و بدون پشتکار پرهیز کرد و بر آنها تکیه نزد. آن حضرت توصیه کردند: «ولا

تامن ملولا؛ (۱۰) بر آنکس که پشت کار ندارد تکیه مکن» .

آفت دونان به عالی همتان هم می رسد // دایما از کج نهادن پای سر دارد خطر (۱۱)

۸. داشتن دوست خوب

خداوند انسان را موجودی نیازمند به غیر خلق کرده است یعنی جامعه انسانها طوری است

که هر کسی به دیگری محتاج است. در این میان نقش گروه همسالان و بخصوص دوستان

حساس و خطیر است. درباره نقش دوستان همین نکته کافی است که شخصیت هر انسان

را در اجتماع با دوستان او می سنجند، همچنان که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «فان

الصاحب معتبر بصاحبه؛ (۱۲) هر کس را از آن که دوست اوست، می شناسند» .
شکی نیست که دوستان هر انسانی، اساسی ترین نقش را در موفقیت او ایفا می کنند و گاهی در اثر کم توجهی و یا بی توجهی، همین دوستان به اصطلاح صمیمی، مایه بدبختی و هلاکت می شوند. حضرت علی علیه السلام فرزند خود را از مصاحبت با دوستان ناباب بر حذر می دارند و می فرمایند: «یا بنی ایاک ومصادقه الاحمق فانه یرید ان ینفعک فیضرک وایاک ومصادقه البخیل فانه یقعد عنک احوج ما تکون الیه وایاک ومصادقه الفاجر فانه یبیعک بالتافه وایاک ومصادقه الکذاب فانه کالسراب، یقرب علیک البعید وبعده علیک القریب؛ (۱۳) پسرم! از دوستی با احمق پرهیز، چرا که می خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیانت می کند، از دوستی با بخیل پرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می دارد. و از دوستی با بدکار پرهیز که با اندک بهایی تو را می فروشد. و از دوستی با دروغگو پرهیز که او به سراب بماند؛ دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو دور می نمایاند» .

تا توانی می گریز از یار بد // یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند // یار بد بر جان و بر ایمان زند
به همان اندازه که دوستان صالح و خوب انسان را در رسیدن به موفقیت کمک می کنند، دوستان نااهل نیز به همان اندازه او را از مرحله موفقیت پرت می نمایند. همنشینی با بدان گذشته از اینکه بر روی انسان تاثیر بد می گذارد و مایه قساوت قلب می شود، ممکن است انسان را در قهر و عذاب الهی سهیم گرداند.

در آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان بت پرستان حجاز فردی بنام «عقبه

بن ابی معیط « بود، وی در حالی که مشرک و بت پرست بود، میهمان نواز هم بود. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر او می گذشت، عقبه از آن حضرت خواست که با وی غذا بخورد. حضرت به او فرمود: بر سر سفره تو نمی نشینم مگر آنکه مسلمان شوی. عقبه وقتی دید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای نشستن بر سفره او این چنین شرطی گذاشته است، شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد. در عین حال عقبه دوستی به نام «ابی» داشت، او وقتی از این واقعه با خبر شد، با ناراحتی و عصبانیت نزد عقبه آمد و وی را مورد سرزنش قرار داده و گفت: تو از دین خودت خارج شدی؟ عقبه پاسخ داد: کسی بر من میهمان شد که حاضر نشد تا مسلمان نشوم بر سر سفره ام بنشیند. ابی به او گفت: حالا من دوستی خودم را با تو قطع می کنم، مگر آنکه به دین خودت برگردی و به پیامبر توهین کنی.

با اصرار زیاد ابی، عقبه همین کار را کرد و از اسلام خارج شد و عاقبت در جریان جنگ بدر به دست سپاهیان اسلام کشته شد. ابی نیز در جنگ احد به دست مسلمین کشته شد و هر دو در حال شرک مردند. در این رابطه آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فرقان نازل گردید که در آن وصف حال و سرنوشت عقبه آمده است: «و یوم یعض الظالم علی یدیہ یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سییلا * یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا * لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و کان الشیطان للانسان خذولا» ; «روزی که آن فرد ستمگر (عقبه) دستان خود را می گزد و می گوید: کاش راه پیامبر را انتخاب کرده بودم. وای بر من، ای کاش با فلانی (ابی) دوست نمی شدم. او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت بعد از اینکه [یاد حق] به سراغ من آمده بود. و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است.» .

حق ذات پاک الله الصمد // که بود به مار بد از یار بد

مار بد جانی ستاند از سلیم // یار بد آرد سوی نار مقیم (۱۴)

در این آیات و با توجه به این ماجرا نقش و تاثیر مخرب دوست ناصالح در گمراهی انسان مشخص می گردد. این داستان به ما هشدار می دهد که از دوستی با دوستان ناصالح که ممکن است به توهین و جسارت نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله منجر گردد، دوری گزینیم. امام علی علیه السلام فرمودند: «لا ینبغی للمراء المسلم ان یواخی الفاجر فانه یزین له فعله ویحب ان یکون مثله ولا یعینه علی امر دنیاہ ولا امر معادہ ومدخله الیه ومخرجه من عنده شین علیہ» (۱۵) شایسته نیست که یک انسان مسلمان با فرد فاجر [و تبهکار] رابطه برادرانه برقرار کند، زیرا او عمل و رفتار خود را برایش زینت می دهد و دوست دارد که او هم به مانند خودش شود و او را نه در امر دنیا و نه در امر آخرتش یاری نمی کند و رفت و آمدش برای او ننگ است.»

۹. استفاده از تجربه ها

یکی دیگر از عوامل موفقیت، استفاده از تجربیات است. آنهایی که خود را بی نیاز از تجربه می دانند به مقصد نخواهند رسید. چنان که علی علیه السلام فرمودند: «من غنی عن التجارب عمی عن العواقب» (۱۶) کسی که خود را از تجربه ها بی نیاز بداند، سرانجام [امور] را نخواهد دید. «کسی که دنبال هدفی عالی است و برای رسیدن به آن باید از گرده های پر پیچ و خم عبور کند تا بر مشکلات پیروز شود، باید بداند که در این راه نیازمند تجربه است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «کل معونة تحتاج الی التجارب» (۱۷) هر امر مشکلی [که کمک لازم دارد] به داشتن تجربه ها نیازمند است.»

درباره ارزش و اهمیت تجربه همین قدر کافی است که حفظ تجربه ها یکی از نشانه های

عقل و خردمندی است. علی علیه السلام در نامه خود به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «والعقل حفظ التجارب; (۱۸) [از نشانه های عقل [و خردمندی] حفظ تجربه هاست.»

همچنین آن حضرت در نهج البلاغه فرمودند: «ومن التوفيق حفظ التجربة; (۱۹) حفظ تجربه بخشی از موفقیت است.»

معمولا کسانی که در پی اهداف عالی هستند، دشمنانی فرصت طلب نیز دارند که در حال مکر و نیرنگ اند. استفاده از تجربه یکی از راههای شناخت فریب و نیرنگ است. خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (۲۰) امام علی علیه السلام فرمودند: «من لم يجرب الامور خدع; (۲۱) آن کس که کارها را تجربه نکند، نیرنگ می خورد.» به قول رودکی:

برو، ز تجربه روزگار بهره بگیر // که بهر دفع حوادث تو را به کار آید
باید از تجربه های بدست آمده بهترین استفاده را برد، چرا که بدبختی و شقاوتی از این بدتر نیست که از تجربه های بدست آمده استفاده نشود. این نکته را حضرت امیر علیه السلام در نامه ای به ابوموسی اشعری گوشزد کرده و فرمودند: «فان الشقی من حرم نفع ما اوتی من العقل والتجربة; (۲۲) البته انسان شقی آن کسی است که از ثمرات عقل و تجربه، بهره مند نشود [و محروم بماند].»

در طول زندگی هر انسانی، حوادثی تلخ چرخه زندگی را دچار کندی می کند که البته اینها لازمه زندگی است، چرا که این تلخیها انسان را در مقابل مشکلات و حوادث آینده آبدیده می کند. مواجهه با مشکلات و استفاده از تجربه های انجام شده پیش نیاز زندگی

است. امام علی علیه السلام فرمودند: «ومن لم ینفعه الله بالبلاء والتجارب لم ینتفع بشیء من العظة»؛ (۲۳) کسی را که خداوند بوسیله گرفتاریها و تجربه ها سود نرساند، از هیچ گونه موعظه ای بهره مند نخواهد شد.» .

۱۰. مشورت

شور و مشورت با صاحبان اندیشه های پاک و همتهای عالی، مسیر انسان را در رسیدن به اهداف عالی هموار می سازد. اشرف مخلوقات، حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله - که عصاره خلقت بود - به همان اندازه که دیگران را به مشورت کردن دعوت می کرد، خود نیز سعی وافر داشت تا در کارها مشورت کند، چنان که در جریان جنگ خندق چنین کرد.

هر کسی برای انجام کارهای مهم نیازمند پشتوانه ای قوی است تا در بحرانها کمک و یار و مدد کار او باشد. مشورت یکی از پشتوانه های بزرگ مردان الهی است. علی علیه السلام فرمودند: «لا ظهیر کالمشاوره»؛ (۲۴) پشتوانه ای همچون مشورت نیست.» . مشورت در کارها واجب شود // تا پشیمانی در آخر کم شود (۲۵)

از فرمایشات علی علیه السلام در نهج البلاغه استفاده می شود کسانی که دارای استبداد رای هستند و عقیده خود را برترین می دانند، در معرض خطری عظیم هستند. حضرت فرمود: «والاستشارة عین الهدایة وقد خاطر من استغنی برایه»؛ (۲۶) مشورت نمودن چشمه هدایت است و کسی که [به خاطر رای شخصی] خود را مستغنی از دیگران بداند، خویشتن را به خطر می افکند.» .

همچنین می فرمایند: «من استبد برایه هلك ومن شاور الرجال شارکها فی عقولها»؛ (۲۷)

کسی که در رای خویش مستبد باشد، هلاک می شود و کسی که با مردان مشورت نماید، در عقلهای آنان شریک خواهد شد.» .

مشورت ادراک و هشیاری دهد // عقلها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغمبر بکن ای رای زن // مشورت کالمستشار مؤتمن (۲۸)

ترک مشورت در مسائل معنوی و مادی، شکستهای جبران ناپذیری به بار می آورد و در مقابل، مشورت با مردان خودساخته و صالح و صاحبان افکار عالی، انسان را در شناخت موارد خطا و اشتباه کمک می کند و از مواجهه با خطا مصونیت می بخشد. پرچمدار هدایتگران، مولی علی علیه السلام فرمودند: «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء; (۲۹) کسی که از افکار [دیگران استقبال کند، موارد خطا را می شناسد» .

با چه کسانی مشورت کنیم؟

لازم است فردی طرف مشورت قرار گیرد که علاوه بر فهم و خرد و آگاهی نسبت به امر مشاوره، بتوان از مشورت با او بهره مند شد، به دیگر سخن به فرمایش مولی علی علیه السلام باید با کسی مشورت کرد که عقل او را بپذیرد: «لا تشاور من لا یصدق عقلک; (۳۰) با کسی که عقلت او را تصدیق نمی کند مشورت نکن» .

گویند که بی مشورت کار مکن // الحق سخنی خوشست انکار مکن

لیکن به کسی که از غمت غم نخورد // گر در ز دهن بریزد اظهار مکن

برای رسیدن به اهداف و دوری از حسرت و پشیمانی لازم است انسان با افراد نصیحت گر، عالم و صاحب تجربه مشورت کند. علی علیه السلام می فرمایند: «اما بعد فان معصیة الناصح الشفیق العالم المجرب تورث الحسرة وتعقب الندامة; (۳۱) مخالفت با شخص

نصیحتگری که مهربان و عالم و صاحب تجربه است، موجب حسرت می شود و پشیمانی را به دنبال دارد.» .

همچنین آن حضرت فرمودند: «افضل من شاورت ذو التجارب؛ (۳۲) برترین کسی که با او به مشورت می نشینی کسی است که تجربه ها اندوخته است.» .

مشورت کن با گروه صالحان // بر پیمبر امر شاورهم بدان

امر هم شوری برای آن بود // کز تشاور سهو و کثر کمتر رود

این خردها چون مصابیح انورست // بیست مصباح از یک روشتر است (۳۳)

با چه کسانی مشورت نکنیم؟

امام علی علیه السلام در توصیه خویش به فرماندار بصره، او را از مشورت با چند گروه بر حذر می دارد: «ولا تدخلن فی مشورتک بخيلا يعدل عن الفضل ويعدك الفقر ولا جبانا يضعفك عن الامور ولا حريصا يزين لك الشره بالجور فان البخل والجبن والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظن بالله؛ (۳۴) بخیل را در مشورت خود دخالت نده که تو را از بخشش [و نیکوکاری] باز می دارد و به تو وعده تنگدستی می دهد. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در [انجام] کارها [روحیه] تو را سست می کند و حریص را [در مشورت کردن دخالت نده] که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.» .

۱۱. نظم و برنامه ریزی

اولیای بزرگ اسلام، رعایت نظم و برنامه ریزی در کارها را از جمله مهمترین مسائل در زندگی انسان شمرده، آن را مورد تاکید قرار داده اند.

علی علیه السلام در ضمن وصیت خود، خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرماید: «اوصیکما وجميع ولدی واهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امر کم؛ (۳۵) شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه ام به او می رسد را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می کنم» .

برای هر انسانی شایسته است در همه کارهای زندگی برنامه منظمی داشته باشد تا بتواند از عمر خویش بهترین بهره را ببرد. یکی از نشانه های نظم این است که انسان اوقات شبانه روز را بر نیازمندیهای خویش تقسیم کند و زیر بنای زندگی را که نظم است، محکمتر سازد و از بی نظمی که ضایع کننده عمر و برباد دهنده استعدادهاست، دوری کند. علی علیه السلام در این باره می فرماید: «للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة یناجی فیها ربه و ساعة یرم معاشه و ساعة یخلی بین نفسه و بین لذتها فیما یحل ویجمل. و لیس للعاقل ان یکون شاخصا الا فی ثلاث، مرمه لمعاش او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم؛ (۳۶) برای مؤمن [در شبانه روز] سه ساعت [و زمان] وجود دارد، زمانی که در آن با پروردگار خویش مناجات می کند و زمانی که هزینه زندگی را تامین می کند و زمانی برای واداشتن نفس به لذتهایی که حلال و مایه زیبایی آن است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز شاخص باشد، تامین زندگی یا گام نهادن در راه آخرت یا [به دست آوردن] لذتهای حلال» .

نظم و برنامه، سامان دهنده زندگی و وسیله ای برتر برای رسیدن به اهداف بزرگ است. با برنامه ریزی صحیح در زندگی می توان ساعات عمر را پربار و از اتلاف عمر جلوگیری کرد. بهره گیری از زندگی یکی از میوه های نظم و برنامه ریزی است. یکی از شاگردان حضرت امام خمینی رحمه الله می گوید: «نظم دقیق در زندگی از ویژگیهای معروف امام

است. به راستی عجیب بود که حتی برای مطالعه و قرائت قرآن و کارهای مستحب و حتی زیارتها و دعاهایی که در وقت خاص هم وارد نشده بود، وقت خاص را تنظیم کرده بودند و هر کاری را بر طبق همان زمان بندی و تنظیم خاص انجام می دادند، بطوری که برای هر کس که مدتی با ایشان مانوس و معاشر می شد، مشخص بود که در چه ساعتی، مشغول چه کاری و انجام چه عملند، اگر چه در حضور ایشان نباشد و فرسنگها از محضرشان دور و جدا باشد. (۳۷) « ثمره این نظم دقیق را در زندگی امام امت مشاهده کرده ایم. امام علی علیه السلام با توجه به تاثیر نظم در نتیجه بخشی کارها، بر انجام امور روزانه در وقت خود به مالک اشتر سفارش می کند که: «وامض لکل یوم عمله فان لکل یوم ما فیه ; (۳۸) کار هر روز را در همان روز انجام ده [و آن را به روز بعد موکول مکن] زیرا برای هر روز کار خاصی است [که مجال انجام عقب افتادگیها را نمی دهد]» .

پی نوشت:

۱- (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰.

۲- (همان، حکمت ۴۰۳.

۳- (غررالحکم، شماره ۱۰۹۴۴.

۴- (همان، شماره ۵۵۵.

۵- (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷.

۶- (همان، حکمت ۳۳۲.

۷- (همان، حکمت ۴۷.

۸- (ابن یمین.

- (۹) نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱.
- (۱۰) همان، حکمت ۲۱۱.
- (۱۱) الامع.
- (۱۲) نهج البلاغه، نامه ۶۹.
- (۱۳) همان، حکمت ۳۸.
- (۱۴) مولوی.
- (۱۵) کافی، ج ۲، ص ۴۶۰، ح ۲.
- (۱۶) اغررالحکم، شماره ۱۰۱۶۲.
- (۱۷) بحار، ج ۷۵، ص ۷، حدیث ۵۹.
- (۱۸) نهج البلاغه، نامه ۳۱.
- (۱۹) همان، حکمت ۲۱۱.
- (۲۰) حافظ.
- (۲۱) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۲؛ ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۰۰.
- (۲۲) نهج البلاغه، نامه ۷۸.
- (۲۳) بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۱۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
- (۲۴) نهج البلاغه، حکمت ۵۴.
- (۲۵) مولوی.
- (۲۶) نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱.
- (۲۷) همان، حکمت ۱۶۱.
- (۲۸) مولوی.

- (٢٩) نهج البلاغه، حكمت ١٧٣.

- (٣٠) بحار الانوار، ج ٧٢، ص ١٠٣، ح ٣٣; مصباح الشريعه، ص ١٥٢، الباب الثاني والسبعون في المشاوره.

- (٣١) نهج البلاغه، خطبه ٣٥.

- (٣٢) غرر الحكم، شماره ١٠٠٧٥.

- (٣٣) مولوى.

- (٣٤) نهج البلاغه، نامه ٥٣.

- (٣٥) همان، نامه ٤٧.

- (٣٦) همان، حكمت ٣٩٠.

- (٣٧) پا به پاى آفتاب، اميررضا ستوده، ج ٢، ص ١٧٠، نشر پنجره.

- (٣٨) نهج البلاغه، نامه ٥٣.

منبع : ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ٤٥ و ٤٧.